

اقتصاد مقاومتی، ساخته‌ی دستان مادر: چگونه تربیت اسلامی در خانواده، زیرساخت‌های اقتصاد پایدار را می‌سازد؟

مریم میرآقایی^۱

چکیده

امروزه با وجود گسترش گفتمان اقتصاد مقاومتی در سطح سیاست‌گذاری، توجه کمی به زیرساخت‌های فرهنگی-تربیتی آن شده است. این پژوهش با هدف پاسخ به این پرسش انجام شد که چگونه تربیت اسلامی در خانواده، و به‌ویژه نقش مادر به‌منابه محور اصلی آن، می‌تواند زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی را در جامعه بنا کند. پژوهش از نوع کتابخانه‌ای-تحلیلی بوده و داده‌ها با روش تحلیل محتوای استنادی، از طریق مطالعه تفاسیر معتبر، احادیث معصومین(ع)، آیات محوری و سخنان راهگشای مقام معظم رهبری گردآوری و تلفیق شده‌اند. یافته‌ها نشان داد که: مادر از طریق تربیت ارزش‌هایی چون ساده‌زیستی، صبر، امانت و مسئولیت‌پذیری، ذهنیتی اقتصادی مقاوم در فرزندان شکل می‌دهد؛ تفکیک نادرست تربیت دینی و اقتصادی، و ضعف آموزش مهارت‌های مدیریت مالی به مادران، از مهم‌ترین موانع این فرآیند است؛ برنامه‌های میدانی موفق، مؤثرترین راهکارها برای تقویت این نقش محسوب می‌شوند. در نتیجه، اقتصاد مقاومتی تنها زمانی پایدار می‌شود که از گهواره آغاز شود؛ جایی که مادر، نه به‌عنوان یک قهرمان، بلکه به‌عنوان ریحانه‌ای پایدار، فرزندی را پرورش دهد که در برابر فشارهای اقتصادی، مقاومت کند و مسئولیت‌پذیر باشند. کاربردهای عملی یافته‌ها، گنجاندن تربیت اقتصادی در برنامه‌های آموزشی دختران و طراحی بسترهای حمایتی برای مادران تولیدکننده را ضروری می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: مادر؛ تربیت اقتصادی؛ اقتصاد مقاومتی؛ خانواده اسلامی؛ فرهنگ‌سازی اقتصادی.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی، فراتر از سیاست‌های کلان، نیازمند زیرساخت‌های فرهنگی-تربیتی پایدار است. این زیرساخت‌ها، عمده‌تاً در فضای خانواده و با رهبری مادر شکل می‌گیرند؛ اما تاکنون توجه علمی کمی به این پیوند سیستماتیک بین تربیت مادرانه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جامعه اسلامی شده است.

^۱ - استاد حوزه علمیه ریحانة الرسول ﷺ و زینب کبری ﷺ ارومیه - شماره همراه: ۰۹۱۴۸۲۲۳۴۴۷، پست الکترونیکی: mmeeraghaei@gmail.com

اگرچه برنامه‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی بر مؤلفه‌هایی چون خودکفایی، کاهش وابستگی و تولید داخلی تمرکز دارند، پایداری آنها بدون حضور نیروی انسانی اخلاق‌مدار، مسئولیت‌پذیر و مقاوم ناممکن است. پرسش اصلی این پژوهش این است:

چگونه تربیت اسلامی در خانواده، و به‌ویژه نقش مادر به‌مثابه محور اصلی آن، می‌تواند زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی را در جامعه بنا کند؟

این پرسش سه بعد را در بر می‌گیرد:

۱- تربیتی (پرورش ارزش‌هایی چون صبر، ساده‌زیستی و امانت)؛

۲- اقتصادی (کاربست این ارزش‌ها در مصرف و تولید)؛

۳- اجتماعی (تأثیر استحکام خانواده در پایداری اقتصادی جامعه).

فرضیه پژوهش بر این است که الگوی تربیتی مادر، نه حاشیه‌ای فرهنگی، بلکه ستون اصلی اقتصاد مقاومتی است.

پژوهش‌های پیشین عمدتاً در دو حوزه «اقتصاد اسلامی» (شریفی، نظام‌پور) و «خانواده‌شناسی اسلامی» (نراقی، مطهری) انجام شده‌اند، اما ارتباط نظام‌مند میان نقش مادر و اقتصاد مقاومتی کمتر بررسی شده است. برخی مقالات (مانند «خانواده، پایه اقتصاد مقاومتی»، معارف اقتصادی اسلامی، ۱۴۰۰) به این پیوند اشاره کلی داشته‌اند، اما بدون تحلیل استنادی از منابع تفسیری و روایی. همچنین، سخنان مقام معظم رهبری درباره «خانه به‌مثابه کارخانه تولید انسان مقاوم» تاکنون به‌صورت یکپارچه در چارچوبی تربیتی-اقتصادی پردازش نشده است.

این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای-تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعه منابع دست اول شامل تفاسیر قرآن، احادیث معصومین(ع)، آیات محوری و سخنان رهبر معظم انقلاب گردآوری و با رویکردی استنباطی-اجتهادی تحلیل شده‌اند.

در ادامه، با بررسی مبانی نظری نشان داده می‌شود که اقتصاد مقاومتی، زمانی پایدار خواهد بود که «از گهواره شروع شود» جایی که مادر، نه تنها مراقب زندگی روزمره، بلکه معمار ذهنیت اقتصادی نسل آینده است.

بخش اول: کلیات

۱-۱- اقتصاد مقاومتی: تعریف و بنیان‌های قرآنی-روایی

معنای لغوی

واژه «اقتصاد» در زبان عربی، از ریشه «قَصَدَ» به معنای میانه راه رفتن، اعتدال کردن و از افراط و تفریط دوری جستن گرفته شده است. در لغت‌نامه دهخدا و معجم مقاییس اللغة ابن فارس آمده است: «قَصَدَ فِي الْأَمْرِ: اعتدل فيه، و ترك الغلو و التقصير» یعنی: در کاری قصد کرد؛ یعنی در آن میانه‌روی پیشه کرد و از افراط و تفریط پرهیز نمود. از همین ریشه، واژه «اقتصاد» به معنای صرفه‌جویی در مصرف، اعتدال در هزینه و برنامه‌ریزی هوشمند در استفاده از منابع شکل گرفته است.

واژه «مقاومت» نیز از ریشه «قَوَّمَ - يَقُومُ» به معنای ایستادن، پایداری کردن، برپا ماندن آمده و در ترکیب «مقاومتی» به پایداری در برابر فشارها، ثبات در مسیر و عدم زیر سؤال بردن اصول دلالت دارد. در قرآن از همین ریشه، آمده است: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ» (هود: ۱۱۲) یعنی: «پس همان‌گونه که امر شدی، پایدار و استوار باش.» بنابراین، از دیدگاه لغوی، «اقتصاد مقاومتی» یعنی برنامه‌ریزی هوشمند در مصرف و تولید، همراه با پایداری در برابر فشارهای بیرونی و وفاداری به اصول عدالت و خوداتکایی.

معنای اصطلاحی (در گفتمان اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی)

«اقتصاد مقاومتی» یک الگوی سیاست‌گذاری اقتصادی است که در سال‌های اخیر، بر اساس آموزه‌های قرآن، سنت معصومین علیهم‌السلام و تجربه انقلاب اسلامی مطرح شده است. این الگو، در سخنان مقام معظم رهبری بر سه اصل استوار است:

۱. خوداتکایی (نه انزوا، بلکه استقلال در تصمیم‌گیری)،

۲. عدالت (توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از تمرکز آن)،

۳. مردم‌محوری (تأکید بر مشارکت عمومی در تولید و مصرف مسئولانه).» (خطاب به جامعه اقتصادی کشور، ۲۵

از دیدگاه قرآنی، این اقتصاد، همان «اقتصاد مبتنی بر توحید عملی» است که در داستان شعیب علیه السلام به آن اشاره شده: «اعْبُدُوا اللَّهَ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (أعراف: ۸۵-۸۷) یعنی اقتصاد سالم، زمانی شکل می‌گیرد که ایمان به خدا، مستقیماً در رعایت عدالت در معامله جاری شود.

بنابراین، در سطح اصطلاحی، «اقتصاد مقاومتی» یعنی الگویی اسلامی از توسعه اقتصادی که در برابر تحمیل‌های خارجی، استعمار اقتصادی و فرهنگ مصرف‌گرایی، پایداری کرده و بر پایه ایمان، امانت، ساده‌زیستی و همبستگی، خودکفایی ملی را محقق سازد.

اقتصاد مقاومتی، در ذات خود، الگویی الهی است که ریشه در آیات، روایات و سیاست‌های عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دارد. این الگو، نه یک اصطلاح مدرن بدون پیشینه، بلکه بازخوانی اجتهادی از اقتصاد اسلامی است که در شرایط تهدیدات بیرونی و فشارهای ساختاری، بر خوداتکایی، عدالت و اخلاق تأکید می‌ورزد.

قرآن، در رویکردی نظام‌مند، اقتصاد را در چارچوب توحید عملی قرار می‌دهد. در داستان شعیب علیه السلام، پس از امر به عبادت خداوند، مستقیماً به اصلاح اقتصادی امر می‌شود: «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (أعراف: ۸۵-۸۶). پس از شرک و انحراف عقیدتی، انحراف‌های اقتصادی مهم‌ترین مسئله قوم شعیب بوده است و ایمان، ضامن کسب‌وکار صحیح و عدالت اجتماعی است.

این تبیین، نشان می‌دهد که فساد اقتصادی، حاصل فساد عقیدتی است و در مقابل، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مبتنی بر ایمان است. همچنین، قرآن، اسراف را نه تنها گناهی فردی، بلکه تهدیدی اجتماعی می‌داند: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (أعراف: ۳۱).

نظارت بر مصرف، گاهی از تولید مهم‌تر است. امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره وفور، مصرف را به‌شدت کنترل کرد تا بتواند برای سال‌های سخت ذخیره ایجاد کند. (کافی، جلد ۴، صفحه ۳۱) این رویکرد که «ذخیره‌سازی هوشمندانه در زمان خوب» نامیده می‌شود از پایه‌های عملیاتی اقتصاد مقاومتی است که ریشه در سیره ائمه علیهم السلام دارد.

۲-۱- جایگاه مادر در تربیت اسلامی

مسئولیت تربیت، در اسلام همگانی است، اما بار سنگین‌تر آن بر دوش والدین و به‌ویژه مادر است. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶)، تعلیم و تربیت خانواده، یک دستور عام است ولی انسان در مقابل

همسر و فرزند خویش مسئولیت سنگین‌تری دارد. هرگاه این واحدهای کوچک (خانواده) اصلاح گردد، کل جامعه اصلاح می‌شود.

پس اصلاح جامعه، از اصلاح خانواده آغاز می‌شود و مادر، به‌عنوان محور درونی خانه، نقشی کلیدی در این فرآیند دارد.

در روایتی امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش «چگونه خانواده را از آتش حفظ کنم؟» فرمودند: «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَى اللَّهُ؛ فَإِنْ أَطَاعُوكَ فَقَدْ وَقَّيْتَهُمْ وَ إِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ؛ به آنچه خداوند امر کرده، آنان را امر کن و از آنچه خداوند نهی کرده، نهی کن. اگر از تو فرمان بردند، تو آنان را ننگه داشته‌ای و اگر نافرمانی کردند، تو آنچه را بر عهده ات بود، انجام داده‌ای.» (کافی، ج ۵، ص ۶۲، ح ۲). این روایت، تربیت را وظیفه‌ای الهی نه صرفاً رفتاری شخصی می‌داند.

با استناد به روایت «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةُ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، می‌توان گفت طریقه مرضیه زن در اسلام، تدبیر امور داخلی منزل و تربیت اولاد است و این سنت، در عین واجب نبودن، ترغیب شده است. این بیان، نه کاستن از جایگاه زن بلکه تبیین نقش ویژه مادر در نظام تربیتی اسلامی است نقشی که بر پایه عفت، حیا، محبت و پایداری استوار است.

۳-۱- تربیت اقتصادی در خانواده: مفاهیم کلیدی

تربیت مادر در حوزه اقتصادی، سه محور اصلی دارد:

الف) پرورش روح سخاوت و مبارزه با اسراف

زکات، نه یک مالیات معمولی، بلکه احیاکننده روح سخاوت و رحمت در انسان است. مادر می‌تواند از کودکی، فرزند را با این مفهوم آشنا کند مثلاً از طریق بخشش یک بخشی از جیب پولش به همسایه نیازمند. این کار، نه فقط اخلاق را می‌آموزد، بلکه ذهنیتی ضد تجمع غیراخلاقی ثروت می‌سازد.

ب) آموزش مدیریت مصرف و برنامه‌ریزی

با توجه به آیه «إِنِّي حَفِیْظٌ عَلَیْكُمْ» (یوسف: ۵۵)، پاکی و امانت، به‌تنهایی کافی نیست؛ علاوه بر آن، آگاهی و مدیریت نیز لازم است، خطر ناشی از عدم مدیریت، گاهی از خیانت هم بیشتر است. (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۰)

۳-۱- چالش‌های موجود

الف) هجوم فرهنگی مصرف‌گرایانه

شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جریان اصلی، به صورت سیستماتیک، الگوی مادری غربی را ترویج می‌دهند: مادری که قبل از هر چیز، «فرد» است، و تربیت فرزند را به مؤسسات (مهدکودک، مربی خصوصی، روان‌شناس) واگذار می‌کند غافل از اینکه با این عمل، شخصیت وی را در هم می‌کوبد.

این فشار، مادران را در دو دستگاه متضاد قرار می‌دهد: از یک سو، توقع جامعه درباره موفقیت شغلی زن؛ از سوی دیگر، وظیفه تربیتی غیرقابل واگذار.

ب) کاهش امنیت اقتصادی خانواده‌ها

گرانی‌های شدید و ناپایداری شغلی، فضای روانی خانواده را تحت فشار قرار داده است. در چنین شرایطی، مادر حتی با وجود اراده تربیتی ممکن است خودش با اضطراب و ناامیدی مواجه شود و نتواند فرزند را به امید و صبر دعوت کند.

ج) ضعف آموزش تربیت اقتصادی به مادران

بسیاری از مادران، خودشان از تربیتی سالم برخوردار نبوده‌اند و نمی‌دانند چگونه فرزند را با مفاهیمی چون «ذخیره‌گذاری»، «اولویت‌بندی» و «بخشش مالی» آشنا کنند. این ضعف را می‌توان در چهار سطح تحلیل کرد:

۱- غیبت در نظام آموزش رسمی و حوزوی

در مدارس دخترانه، دروسی چون «مدیریت خانواده» عمدتاً به مباحث ظاهری محدود می‌شوند، نه اصول اقتصاد اسلامی در زندگی روزمره. در گزارشی که در مجموعه «آموزش زن در نظام اسلامی»، ۱۴۰۰ آمده است: «در ۱۲۰ جلد کتاب تألیف‌شده در حوزه تربیت زن و مادر در دو دهه اخیر، تنها ۷ جلد به صورت مستقل به موضوع «اقتصاد خانوادگی» پرداخته‌اند.»

این آمار، نشان می‌دهد که ما در حال تربیت مادرانی با ایمان عمیق، اما با مهارت اقتصادی محدود هستیم. درحالی که ما باید دختران را هم به کار و تولید عادت بدهیم، دختران ما باید بتوانند در صنعت، در کشاورزی، در خدمات، هر جا که لازم است مهارت کسب کنند. این‌ها تضادی با حجاب و تربیت اسلامی ندارد.

۲- نبود الگوهای عملی در رسانه‌های فرهنگی

رسانه‌های عمومی و فضای مجازی، عمدتاً دو الگو را از مادر ارائه می‌دهند:

الف- الگوی «فرزندمحور منفعل»: مادری که تمام وجودش وقف خدمت به فرزند است، اما از تصمیم‌گیری اقتصادی بی‌اطلاع است.

ب- الگوی «کارآفرین بی‌خانمان»: زنی که در عرصه تولید موفق است، اما تربیت فرزند را به دیگران واگذار کرده.

در حالی که الگوی سومی به اسم مادر «حفاظت‌کننده و تولیدکننده» کمتر دیده می‌شود.

این الگو می‌توانست پایه‌ای برای برنامه‌هایی مانند «خانواده تولیدی» در صداوسیما باشد، اما تاکنون چنین برنامه‌ای با عمق کافی طراحی نشده است. رسانه‌ها باید الگوهایی از زنانی را نشان دهند که هم مادر خوبی هستند و هم در عرصه تولید، فعال و موفق.»

۳- فاصله نسلی در دانش اقتصادی

بسیاری از مادران امروز، در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که در آن‌ها «پول» موضوعی ممنوع بوده است. در نتیجه، ۷۳ درصد از مادران جوان، «احساس ناتوانی» در آموزش مفاهیم مالی به فرزند دارند. در حالی که پول را به فرزندان نه به‌عنوان چیزی تابو، و نه به‌عنوان هدف مطلق، بلکه به‌عنوان ابزاری برای خدمت و ایجاد آرامش معرفی کرد.

۴- تفکیک نادرست تربیت دینی و تربیت اقتصادی

در بسیاری از برنامه‌های آموزش دینی، تربیت اقتصادی به‌صورت مجزا از اخلاق دیده می‌شود:

- کودک یاد می‌گیرد که نماز بخواند، اما نمی‌آموزد چگونه وقتش را برنامه‌ریزی کند.

- یاد می‌گیرد که اسراف نکند، اما نمی‌داند چگونه بودجه تنظیم کند.

اولین مرحله تربیت، کانون خانواده است و یکی از مصادیق روشن معروف، نماز است. اما نماز، در واقع، نمونه‌ای از ریزشماری و پایبندی به زمان است همان مهارت‌هایی که در مدیریت مالی لازم است. متأسفانه، این پیوند عمیق، در آموزش‌های عمومی، به‌صورت نادرست، از هم جدا شده است.

۲-۴- راهکارهای پیشنهادی

برای پر کردن این خلأ، لازم است برنامه‌هایی طراحی شوند که دانش اقتصاد اسلامی (از قرآن و روایات) را با مهارت‌های عملی (مانند استفاده از ابزارهای ساده بودجه‌بندی) تلفیق کنند و آموزش‌ها را در فضاهایی مطمئن (حسینیه‌ها، مراکز بسیج زنان، مدارس) و با زبانی مادرانه (نه آکادمیک خشک) ارائه دهند. از جمله این راهکارها عبارتند از:

الف) توانمندسازی مادران از طریق آموزش‌های کاربردی

برنامه «مادر حفیظ علیم» در قم (۱۴۰۰) نشان داد که آموزش‌های عملی (بودجه‌بندی، کشاورزی شهری، بانک صبر) می‌تواند در ۶ ماه، ثبات روانی خانواده را تا ۲۵٪ افزایش دهد.

ب) حمایت سیاستی از «اقتصاد خانگی مقاومتی»

معافیت مالیاتی برای خانواده‌های تولیدکننده، و گنجاندن درس «تربیت اقتصادی» در مدارس دخترانه؛ چرا که یک خانه مقاومتی، خانه‌ای است که فرزندان در آن به کار عادت می‌کنند، نه به شکایت.

ج) بازتعریف «موفقیت زن» در فضای عمومی

معرفی زنانی مانند زنان کشاورز گیلان یا صنعتگران دشت آزادگان به عنوان الگو، نه به عنوان «مانند مرد»، بلکه به عنوان تابع‌الاثَر تربیت اسلامی.

در نهایت، اقتصاد مقاومتی، زمانی تحقق می‌یابد که مادر، نه «شخصیتی تنهای در خانه»، بلکه عضوی از شبکه فرهنگی-اقتصادی پشتیبان باشد.

نتیجه‌گیری

سؤال اصلی این مقاله «چگونه تربیت اسلامی در خانواده، و به‌ویژه نقش مادر، می‌تواند زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی را در جامعه بنا کند؟» با بررسی مبانی قرآنی، روایی و تجربه‌های میدانی، به پاسخی روشن و یکپارچه دست یافت:

اقتصاد مقاومتی، ساخته دستان مادر است نه به معنای کار فیزیکی صرف، بلکه به معنای ساخت فرهنگی ذهنیتی که در برابر وابستگی، اسراف و ناامیدی، مقاومت می‌کند.

این نتیجه بر سه یافته کلیدی استوار است:

اول، تربیت مادر، یک «سیاست اقتصادی پنهان» است.

هر بار که مادر فرزند را به ساده‌زیستی عادت می‌دهد، به بخشش تشویق می‌کند، یا در زمان گرانی، به جای شکایت، غذایی ساده ولی گرم درست می‌کند، در واقع در حال تولید سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که فردا، در سطح جامعه به شکل کاهش مصرف وارداتی، افزایش همبستگی و رشد اقتصاد خوداتکا ظهور خواهد کرد. ساختن انسان‌هایی که در آینده بتوانند چرخ‌های عظیم جامعه را به حرکت درآورند.

دوم، مادر، زمانی مؤثر است که خود او نیز مجهز باشد نه به فشار بیشتر، بلکه به حمایت بیشتر.

خلاً آموزشی تربیت اقتصادی به مادران، نشان می‌دهد که مشکل، در «عدم تمایل مادر» نیست، بلکه در عدم فراهم‌سازی ابزارهای لازم است. زمانی که مادر بتواند با اعتماد، بودجه خانواده را مدیریت کند، با دانش، درآمدی پایدار ایجاد کند، و با ایمان، بحران‌ها را دور بزند، فرزندانش نیز به‌خودی‌خود، این ذهنیت را می‌پذیرند.

سوم، پایداری اقتصاد مقاومتی، مستلزم بازنگری در جایگاه «خانه» است.

خانه نباید تنها به عنوان «فضای مصرف» دیده شود، بلکه باید به عنوان اولین کارگاه تولید، اولین مدرسه اخلاق و اولین بانک اعتماد شناخته شود. در جامعه‌ای که مادر، نه «خدمتکار»، بلکه «ریحانه» است، یعنی نرم، پایدار، معطر و مرکز هماهنگی. اقتصاد نیز از همین ویژگی‌ها برخوردار خواهد شد: اقتصادی که رشدش، وابسته به نفت یا واردات نیست، بلکه ریشه در ایمان، صبر و مسئولیت‌پذیری دارد.

در نهایت، این مقاله نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی، زمانی پایدار می‌شود که از گهواره شروع شود، جایی که مادر، با هر نگاه مهربان، هر کلام آرام و هر تصمیم اقتصادی ساده، در حال ساختن جامعه‌ای است که نه از بحران می‌ترسد، بلکه در میان بحران، می‌درخشد.

و سرانجام، قرآن در آیه‌ای کوتاه اما عمیق، راه را روشن می‌سازد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه: ۱۳۲).

«اصطبر» یعنی پایدار بمان. پایداری اقتصاد مقاومتی نیز همین‌جا آغاز می‌شود: در آن لحظه‌ای که مادر، در برابر فشارهای فرهنگی و اقتصادی، پایدار می‌ماند، نه تنها در نماز، بلکه در تربیت، در مصرف، در امید، و در ایمان.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- قرائتی، محسن، تفسیر نور (جلدهای ۳، ۵، ۹). انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۱، چاپ اول، تهران.
- ۲- رضایی فرد، محمد علی، تفسیر قرآن مهر (جلدهای ۴، ۵، ۸، ۲۱). انتشارات قرآن مهر، ۱۳۹۵، چاپ دوم، تهران.
- ۳- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن (جلد ۴). انتشارات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲ش، چاپ سوم، بیروت.
- ۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه (جلدهای ۲، ۱۰، ۱۴، ۲۱، ۲۴). دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ پنجم، تهران.
- ۵- khamenei.ir
- ۶- leader.ir
- ۷- noorlib.ir
- ۸- noormags.ir
- ۹- ghbook.ir